

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره هفتم - مهر ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۳

بازتاب علم وفق اعداد در شعر سیف اسفرنکی

(ص ۲۸۹-۳۰۰)

حمیدرضا عظیمی^۲

تاریخ دریافت مقاله: تیر ۹۹ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: شهریور ۹۹

چکیده

علم وفق اعداد از علوم غریبه و مباحث فن طلسمات و تعویذها و عزایم بشمار می‌آید. بخشی از مطالب این فن وارد فرهنگ و اعتقادات عامه و از آنجا وارد شعر و ادبیات فارسی شده است. در دیوان سیف‌الدین احمد بن محمد الاعرج اسفرنکی (۵۸۱-۶۶۶ق) مطالبی درباره وفق اعداد و خاصیت «سه در سه» وجود دارد که در این مقاله با مراجعه به منابع کهن به بررسی آنها پرداخته شده است. این پژوهش مطالعه‌ای نظری است که به روش گردآوری کتابخانه‌ای انجام شده و موضوع وفق اعداد را در دیوان سیف اسفرنکی با مراجعه به منابع معتبر و کهن بررسی کرده است. بررسی سویه‌هایی از علم اوفاق و خواص و فروع آن در شعر سیف اسفرنکی که به درک بهتر معنای این ابیات مینجامد و شناخت از انعکاس علوم غریبه در شعر و ادب فارسی را روشنتر میکند. در این مقاله مشخص شد: ۱. دیوان سیف اسفرنک از منابع شاخص بازتاب علم وفق اعداد در ادب فارسی است و از این منظر امتیاز و تشخیص دارد. ۲. همچنین با استفاده از منابع کهن و معتبر، ابعاد و مقولات اوفاق در شعر اسفرنکی توضیح داده شده است. ۳. نکاتی درباره خاصیت سه در سه و خواص وفق و نقش وفق بر نگین و رایت شاهان گفته شد. ۴. این مباحث شناخت بخشی از عقاید عامه را دقیقتر کرده است. ۵. نکاتی درباره تلفظ «سی» / «سه» مطرح گشته است. ۶. نکاتی تازه از تصور عامیانه و مربوط به طلسمات و عزایم راجع به درفش کاویان، انگشتر جم و مهر سلیمان طرح شد.

کلیدواژه‌ها: سیف اسفرنکی، خاقانی، علوم غریبه، اعداد وفقی، طلسم، سه در سه، تلفظ، فولکلور.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
(Azimi_Hamidreza@ ut.ac.ir)

Reflection of Vefq science to numbers in Seif Sfarangi's poetry

Hamidreza Azimi¹

Abstract

Vefq science to numbers is considered as a strange science and topics of the art of talismans, amulets and departures. Some of the contents of this art have entered popular culture and beliefs and from there have entered Persian poetry and literature. In the Divan of Seif al-Din Ahmad ibn Muhammad al-Araj Sfarangi (661-581 AH), there are articles about the adaptation of numbers and the property of "three in three", which have been studied in this article by referring to ancient sources. This research is a theoretical study that has been done by library collection method and has studied the issue of matching numbers in Seif Sfarangi Divan by referring to reliable and ancient sources. A study of aspects of the science of horizons and its properties and sub-principles in Seif Sfarangi's poetry, which leads to a better understanding of the meaning of these verses and clarifies the knowledge of the reflection of foreign sciences in Persian poetry and literature. In this article, it was identified: 1. Divan Seif Sfarangi is one of the sources of the index of reflection of Vefq science to numbers in Persian literature and from this point of view it has points and distinctions. 2. Also, using ancient and reliable sources, the dimensions and categories of horizons in Sfarangi poetry have been explained. 3. Points were made about the property of three in three and the properties of adaptation and the role of adaptation on the gems and writings of kings. 4. These issues have made it more accurate to understand some of the public opinion. 5. There are points about the pronunciation of "thirty" / "three". 6. New points were created from the popular imagination and related to the spells and departures regarding the flag of Kavian, the ring of Jam and the seal of Suleiman.

Keywords: Seif Sfarangi, Khaghani, Stranger Sciences, Vefqi Numbers, Spell, Three in Three, Pronunciation, Folklore.

¹- Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Azimi_Hamidreza@ut.ac.ir)

مقدمه

اعداد وفق مبحثی دامن‌گستر و دشواریاب در فنون طلسمات و نیرنجات و علوم غریبه است. البته برخی آن را از فروعات علم ریاضی قلمداد کرده‌اند (نفائس‌الفنون، ج ۱: ۲۱؛ همایی، ۱۳۳۱: ۵۳). در مقدمه کنوزالمعزمین). امام فخر رازی چکیده‌ای از کلیات وفق اعداد را چنین نوشته است: «در حقیقت وفق بدان که هر شکل مربع که عدد خانه‌های او در طول و عرض و در هر دو قطر یکسان بود آنگاه مبلغ عددها که در طول بود همچند مبلغ عددها باشد که بر عرض باشد. و همچند مبلغ عددها که بر قطر بود و در هیچ خانه، یک عدد مکرر نبود آن را عدد وفق گویند» (جامع‌العلوم ستینی: ۴۰۱). جلال‌الدین همایی هم در تعریف «وفق» نوشته است: «وفق عبارت است از حاصل جمع اعداد هر ضلعی از شکل مثلث و مربع و مخمس و غیره. وجه تسمیه وفق این است که چون خانه‌های اشکال را با قواعد مقررہ پر کرده و اعداد را هر کدام در خانه خود نوشته باشند، از هر ضلع و هر سمت که حساب کنی حاصل جمع موافق و برابر باشد. مقصود از مثلث در این علم، سطح سه‌ضلعی معروف نیست بلکه مقصود شکل سه اندر سه است، که سطح چهارگوشه‌ای را طولاً و عرضاً به سه خانه یعنی سه مربع کوچکتر، و جمعاً به نه خانه تقسیم کرده باشند. و همچنین مقصود از مربع، لوح چهار اندر چهار است که سطح چهارگوشه بزرگ، به شانزده چهارگوشه کوچکتر خانه‌بندی شده باشد و مخمس لوح پنج در پنج است مشتمل بر ۲۵ خانه، و بر این قیاس مسدس و مسبع، تا لوح صد اندر صد که از الواح بسیار مهم اعداد است و قواعد ریاضی بسیار دقیق در آن بکار میرود» (همایی، ۱۳۳۱: ۵۴ مقدمه کنوزالمعزمین).

در این مقاله به نفائس‌الفنون، جامع‌العلوم ستینی و یواقیت العلوم و دراری‌النجوم رجوع کرده‌ایم که مطالب روشنگری درباره «وفق اعداد» و انواع مربعات دارند؛ به‌مراه نکات مبسوطی در کیفیت استخراج مربعات با شکلهای بسیار سودمند (نفائس‌الفنون، ج ۳: ۵۰۱-۵۳۷؛ جامع‌العلوم ستینی: ۴۰۱-۴۰۷؛ یواقیت‌العلوم: ۲۰۸-۲۰۹؛ همایی، ۱۳۳۱: ۵۳-۶۰. مقدمه کنوزالمعزمین).

سابقه پژوهش

در موضوع اوفاق، قدما کتب و رسالات نوشته‌اند (همایی، ۱۳۳۱: ۵۸ مقدمه کنوزالمعزمین). درباره اوفاق و اعداد وفق و مشخصاً «خاصیت سه در سه» در شعر سیف اسفرنکی، مطلبی به نظر نویسنده این سطور نرسیده است، اما در توضیح و شرح این بیت خاقانی: سفال نو شود گردون چو باشد / عروس خاطر را وقت زادن (دیوان خاقانی شروانی: ۳۱۹). علی عبدالرسولی به نقل از شرحی که معرفی نکرده نوشته است: «مشهور است که وقت زادن عورات اعدادی بر سفال نو نوشته حامله زیر دست نهاده به‌قوت میشکنند، زادن بر او آسان

میشود» (دیوان خاقانی شروانی، تصحیح عبدالرسولی: ۳۲۵ به نقل از شمیسا، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۶۶). نظر عبدالرسولی را بعضی شارحان تکرار کرده‌اند (کزازی، ۱۳۸۹: ۵۰۲؛ استعلامی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۹۹۲). ضیاءالدین سجادی به اصطلاح «سه در سه» اشاره کرده و نوشته است: «رسمی قدیمی است که برای آسان زادن زن، روی کوزه سفالین نو اعدادی (مثلاً سه در سه) مینوشتند و زیر پای حامله می‌گذاشتند بشکند یا آن را میشکستند» (سجادی، ۱۳۷۴: ۳۳۶). سجادی سندی کهن برای «سه در سه» عرضه نکرده است. سعید مهدوی‌فر این مبحث را گامی به پیش برده و از *یواقیت/العلوم* شاهی کهن و معتبر با ذکر «سه در سه» نقل کرده و از شرح خواجگی گیلانی و مصطفی قلی موسوی سرابی نیز مطالبی آورده است (مهدوی‌فر، ۱۳۹۷: ۹۳۴؛ همو، ۱۳۹۰: ۱۰۴۴). مطلب خواجگی گیلانی با منابع معتبر دیگر اختلاف فاحش دارد.

بحث و بررسی

وفق اعداد در دیوان سیف اسفرنکی

- ابیاتی که در دیوان سیف اسفرنکی به موضوع وفق اعداد اشاره دارد عبارت است:
۱. وفق اعداد نگین او به تأثیر خواص / آب را در آتش یاقوت رنگین میکند (دیوان سیف اسفرنکی: ۲۱۰).
 ۲. رد شود خاصیت وفق از حروف عزم او / گر به عهد او پدید آید درفش کاویان (همان: ۳۶۰).
 ۳. چار حروف نامش ار وفق دهد به خاصیت / آیت نصرتی شود بر علم مظفران (همان: ۳۷۶).
 ۴. خاصیت نام او در علم ملک و دین / هست چو اعداد وفق بر علم کاویان (همان: ۴۰۴).
 ۵. جوهر یاقوت با اعداد وفق نام تو / همچو موسی در پناه تاب تنور آمده (همان: ۴۳۱).
 ۶. وفق خواص مهر سلیمان دهد به حزم / ز اعداد حرف نام تو تا محشر آینه (همان: ۴۳۶).
 ۷. بر آستین عزم نقش طراز نصرت / بر لوح اختیارت اعداد وفق بشری (همان: ۴۸۷).
 ۸. اعداد حروف لقب او چو دهد وفق / سرگم شود آوازه انگشتی جم (همان: ۳۱۹).
 ۹. وفق نصرت دهد اعداد حروف نامش / هر که را مملکت بخت بود زیر نگین (همان: ۳۵۰).
 ۱۰. خاتم جم را خواص دولت باقی‌ستی / گر ز القاب تو حرفی وفق دادی بر نگین (همان: ۳۸۸).
 ۱۱. حاکمی بود هر اقلیم سخن را که به طوع / وفق اعداد فلک نقش نگین او بود (همان: ۶۹۵).

وفق اعداد نام و لقب

سیف اسفرنکی از وفق اعداد حروف نام و لقب / القاب ممدوح گفته است (ابیات ۳، ۴، ۵، ۶، ۸، ۹، ۱۰). یکی از اصول و فصول وفق اعداد «وضع اسامی» است. مبحث مفصل باریک تاریکی است (نفائس الفنون، ج ۳: ۵۲۲-۵۲۸). خلاصه آن را فخر رازی چنین نوشته: «چون خواهند که نام کسی به وفق بیرون آید، حروف آن نام بر سطر اول بیاید بخشید یا نام پدر یا چیزی دیگر به آن اضافه کردن و آن را بخشیدن بر آن خانه و حرف اول را به آخر آوردن. و بدان طریق که گفته شد وفق بیرون آوردن، آنگاه سطر چپ را به جانب راست نقل کردن تا حرف اول نام به جای خود باز شود و وفق آن نام حاصل گردد» (جامع العلوم ستینی: ۴۰۵). او وفق اعداد نام «یا نصیر» از اسامی الهی را گرفته است که نمونه مفیدی برای فهم این موضوع است (همان: ۴۰۶).

خواص وفق

برای مربعات و اوافق خواص بسیاری قائل بوده‌اند. برخی نیز منکر آن بودند و آن را دور از عقل میدانستند و «اگر جایگاهی راست شود از عجایب قدرت خدای تعالی شمردن در اوضاع موجودات» (یواقیت العلوم: ۲۶۴). تحقق خواص اوافق، فروع و ضوابط و مظان تأثیر مفصل و مختلفی داشته است. نوشته‌اند که برخی اوافق برآورنده «هر نیت و حاجت» است (نفائس الفنون، ج ۳: ۵۲۸ و ۵۳۲).

برخی خواص انواع وفق عبارت بوده از: آسان کردن زادن، بازآوردن بنده گریخته، خلاص زندانیان، ایمنی از دزد و خیانت و بیم و خوف، افزودن حشمت و جاه، محبوب خلایق شدن، مقبول شدن نزد بزرگان، غلبه بر خصم، ایمنی از کید دشمن، فتح و ظفر و حصار گشودن، مدد پیاده، صلح میان زن و شوهر، ایمنی از قولنج و امراض مزمن و تب و درد شکم، ممانعت از آبستنی زنان، ایمنی از حرق و غرق، تیزفهمی و نیک‌خلقی کودک، سازگار کردن زن ناسازگار، ویران کردن خانه دشمن، مشهور شدن به شجاعت، ممانعت از ویران شدن خانه‌ها، اصلاح میان دشمنان، ایمنی از حشرات الارض و گزندگان، خوش‌خلقی و تیزفهمی، روا شدن حاجات از وزرا و اهل قلم و تجار و عمال، رفع خشکسالی و فراوانی آب، بطلان سحر، مهربان کردن خصم قوی، خراب کردن کارها و بناها، جلوگیری از ماندگی روندگان، ممانعت از ماندگی و خطای اسب، قوت بخشیدن به حاملان و کشتی‌گیران، گشودن بول و دفع قولنج چهارپایان، ظاهر کردن چیزهای پوشیده خاصه در شب، محترم و موقر گشتن، مشمول شفاعت بزرگان شدن، صاحب‌قران و صاحب‌فرمان شدن، مردم را عاشق ناشکیبای خویش کردن، آسان انجام شدن هر کاری که آغاز میشود، مقبول‌القول شدن، زایل کردن خفکان، کاهل شدن، شفای مصروع، گزند نیافتن در جنگ، بی‌اثر کردن زهر، زود آموختن هر علمی

که خواهند، جلوگیری از گریستن کودک، هرچند مجامعت کنند ضعیف نشوند، نرینه شدن فرزند، رستن از ملخ، ایمنی از مکاره، زود بار آوردن درختان و بذرها، باران بی‌قیاس و دفع ظلم پادشاه ظالم» (یواقیت‌العلوم: ۲۰۱؛ جامع‌العلوم ستینی: ۴۰۳ و ۴۰۶؛ نفائس‌الفنون، ج ۳: ۵۲۸-۵۳۷).

در شعر اسفرنگی «خواص» و «خاصیت» وفق اعداد عبارت است از دولت و نصرت و بشارت برای امیر (بیت‌های ۷، ۹، ۱۰) تا حد تأثیر و تغییر در ماهیت اشیاء (بیت‌های ۱ و ۵).

نگین و وفق اعداد: سیف اسفرنگ در بیت‌های مربوط به وفق اعداد، چند بار از نگین و انگشتر نام برده است (بیت‌های شماره ۱، ۵، ۶، ۸، ۱۱، ۱۰، ۹).

انگشتر و خاتم و نگین در انواع و اقسام علوم غریبه و فنون طلسمات و عزایم نقش مهم داشت. در جنس انگشتر (مثل: آهن، سرب، زر، مس، سیم و ترکیبی از زر و سیم)، جنس نگین (مثل: عقیق، سنگ شبه، آهن چینی، لاجورد بزرگ، یاقوت، بیجاده، بلور صافی)، حروف و کلمات (مثل: نط، راحج، م د، ب ذ، اسماء الهی) و صور و نقوشی که بر نگین مینوشتند و رسم میکردند مثل: آفتاب، ماه، «مردی ایستاده که ماهی در دست گرفته و سوسماری زیر قدم اوست»، «مردی بر کرسی نشسته و بر سر او تاجی و اژدهایی گرد او و او در دست راست حربه‌ای گرفته و انگشت مسبحه از دست چپ در دهان نهاده»، «دو کنیزک که دست در گردن یکدیگر کرده باشند» و «کبوتری که بچه خود را زقه میکند و صورت شاخی از ریحان بکنند» خاصیت و اهمیت میدیدند (کنوزالمعزمین: ۱۲-۱۳، ۲۰ و ۲۱؛ جامع‌العلوم ستینی: ۳۲۵ و ۳۲۸ و ۴۰۶؛ نفائس‌الفنون، ج ۳: ۲۱۰ و ۲۱۲). همچنین بر خاتمها ادعیه و عزایم و حرز مینوشتند (جامع‌العلوم ستینی: ۴۴۴-۴۴۶).

از بیت‌های اسفرنگی برمی‌آید که:

الف. وفق اعداد نام و لقب افراد (در اینجا ممدوح که امیر بوده و خاتمش نگین شاهی است) را بر نگین انگشترشان مینوشتند و آن را موجب «دولت»، «نصرت» و «آوازه» بزرگ میدانستند (ابیات شماره ۸، ۹، ۱۰).

ب. برای وفق نام ممدوح سیف، نگینی از جنس یاقوت مناسب بوده است (ابیات شماره ۱ و ۵).

ج. اسفرنگی اعتقاد داشت شکل‌های وفق اعداد نام جمشید / سلیمان، بر خاتم و انگشتری جم / مهر سلیمان بوده است (ابیات ۶، ۸، ۱۰). یعنی پرآوازه‌ترین و دولتمندترین خاتم هم به مقوله وفق اعداد ربط داشته است. حدس میزنم که ارتباط خاتم جم / مهر سلیمان با اعداد وفق را سیف اسفرنگی جایی خوانده یا شنیده بوده و نباید جعل شاعرانه خودش باشد. قرینه برای این حدس این است که شکلی را که برای جلوگیری از حرق و غرق بود، در «کشتی

نوح مندرج» میدانستند و یا بر آن بودند که در طاق کسری، برای ویران نشدن، وفق شش در شش وجود داشته است (نفائس الفنون، ج ۳: ۵۲۹ و ۵۳۰).

نمونه خاص و خوبی از ارتباط وفق با انگشتی را آملی نوشته که نشانی از چندوچون موضوع تواند بود: «اگر ماه ناظر باشد به زهره به نظر دوستی و از نحوس خالی و زهره در پانزدهم درجه میزان یا پانزدهم درجه ثور باشد یا بیست و هفتم حوت، آن [= شکل مربع چهار در چهار] را بکشند بر کاغذ یا حریر یا بر نگین انگشتی نقش کنند و با خود دارند محبوب خلائق شوند خصوصاً اگر به نام او کشیده باشند» (نفائس الفنون، ج ۳: ۵۲۹).

رایات و خواص وفق اعداد: از ابیات اسفرنگی استفاده میشود که اشکال وفق اعداد بر رایات و علمهای امرا بوده است (ابیات ۲، ۳، ۴). لابد برای فتح و نصرت و دفع بلا و نکبت، نکته مهم دیگر این است که اسفرنگی علم کاویان را که نماد آوازه و فیروزی بوده دارای «خاصیت وفق» دانسته است (بیتهای ۲ و ۴). خاصیتی آنقدر قوی و نافذ که فقط عزم ممدوح میتواند آن را باطل و بی اثر کند. احتمال قوی دارد که نسبت دادن خاصیت وفق برای درفش کاویانی، در منابع مکتوب یا شفاهی بوده و جعل اسفرنگی نباشد. مثل آنچه درباره انگشتی جم / سلیمان، کشتی نوح و طاق کسری بوده است.

خاصیت سه در سه

اشعار مرا که از دم تست / آبستن دختران معنی
در زیر قدم سفال خشکی است / اعداد سپهر سه در سی^۱ (دیوان سیف اسفرنگ: ۴۷۸؛ همان: ۱۹۸).

این ابیات اشاره دارد به «خاصیت سه در سه» که فصلی از «علم اعدادالوفق» است. این مبحث پیچیدگی و شرح و بسط دارد و در کیفیت استخراج این مربع نکته‌ها گفته‌اند. شکلهایی از این مربع هم در متون ثبت است. آنچه به بحث ما و فهم شعر سیف اسفرنگ مربوط است این است که: «در خاصیت‌های سه در سه، اگر آن را بر سفال نو آب نرسیده بنویسند، هرگاه که زنی را درد زه گیرد و آن سفال به وی نمایند و در زیر پای او نهند خصوصاً که این شکل در ساعت نهم از طلق او نویسند و کودک نه‌ماهه بود، زود کودک از وی جدا شود و هرچه خواهند که از جای بیرون آرند چون زندانیان را با خود دارند زود خلاص یابند» (جامع‌العلوم ستینی: ۴۰۳؛ نفائس الفنون، ج ۳: ۵۲۸؛ یواقیت‌العلوم: ۲۰۸). چند اطلاع مهم دیگر از یواقیت‌العلوم بدست می‌آید:

^۱ در بادی نظر وزن ایراد دارد. شاید چنین بوده: اعداد سپهر [را] سه در سی. نسخه بدلهای این مصراع این است: سه در سه، سی در سی و سه در سی. بر این مبنا در همه این نسخه‌ها وزن اشکال دارد. آیا ممکن است سی در سی خوانده می‌شده؟ شعر دیگری هم به نظر ما نرسیده که بر مبنای آن بتوانیم تلفظ دقیق آن را دریابیم.

الف. تعداد سفالها: «بر دو سفال نويسد». لابد برای اینکه زیر هر دو پای زن آبستن قرار بگیرد.

ب. برای مربعی که حاصل اعداد در طول و عرض و قطر، عدد ۱۵ باشد، خاصیت آسان کردن زادن قائل بودند (نیز برای شکل این مربع نک: نفائس‌الفنون، ج ۳: ۵۱۵).

پ. گرد این مربعات آیات و ادعیه مینوشتند.

ت. بعضاً شکل این مربع را بر پارچه‌ای مینگاشتند و بر بازوی آبستن میبستند.

ث. نقل حکایت جالبی از خاصیت سه در سه در آسان کردن زادن دختر امیر معزی (یواقیت‌العلوم: ۲۰۸-۲۰۹). در یواقیت‌العلوم قطعه‌ای در همین موضوع به معزی منسوب شده که به نوشته دانش‌پژوه در مکارم/لاخلاق طبرسی و/باحه غزالی با اختلافاتی نقل شده است (یواقیت‌العلوم: ۲۰۸). پانوش. این قطعه را در دیوان معزی نیافتیم اما در دیوان انوری هست (دیوان انوری، ج ۲: ۵۷۳).

تلفظ سه / سی: قافیه بیت اسفرنگی بصورت «سی» نوشته شده است:

در زیر قدم سفال خشکی است / اعداد سپهر سه در سی

قافیه این قصیده واژگان مختوم به یای مجهول مثل معنی، عیسی، نی، تمنی، اولی^۱ است (عیدگاه طریقه‌ای، ۱۳۹۹: ۵۶۵-۵۷۴). «سی» در این مصراع نمیتواند ۲۹+۱ باشد. چون یا در «سی» معروف است (همان: ۵۷۷، ۶۰۲) و سیف اسفرنگ یای معروف را با مجهول قافیه نمیکند. بنابراین تحقیقاً در این بیت «سی» با تلفظ یای مجهول است (sē) و به معنی عدد سه: عدد اصلی میان دو و چهار (حسن‌دوست، ۱۳۹۳، ج ۳: ۱۷۹۴-۱۷۹۵) و «این همان تلفظ پهلوی کلمه از اصل *çaya در فارسی باستان، برابر با prayō در اوستایی است. بنابراین کاملاً مطابق قاعده است چون توالی آوایی aya در فارسی ē میشود» (یادداشت دکتر احمد قائم‌مقامی).

گفتنی است که در دیوان سیف اسفرنگ «سه» هم با مصوت کوتاه و احتمالاً با کسره آخر (se) آمده است:

- همی تا جهان را بود چار فصل / وزاین فصلها هریکی را سه باب (دیوان سیف اسفرنگ: ۱۲۱).

- زین دو سه فرزند کون از مدد نه پدر / گنج کمالات را وارث آبا تویی (همان: ۷۱۷)
و هم با مصوت بلند و احتمالاً با تلفظ یای مجهول (sē):

^۱. قافیه‌های این قصیده عبارت است از: معنی، عیسی، نی، تمنی، اولی، اعلی، مانی، تجلی، حنی، لیلی، اعمی، انشی، ایمی، طوبی، شعری، طوبی، دینی، مأوی، بشری، فی، بی، کسنی، کسری، فتوی، موسی، تقوی، املی، اجری، اعشی، مجری، کبری، آری، خنثی، دعوی، افعی، انهی، صغری.

- تا سه گهر نتیجه این چار عنصر است / تا هفت شمع لازم این هفت طارم است (همان: ۱۴۵)

- چون در تو کو دری کو به صدای صریر / سایل اگر سه خواهد باز دهد سی جواب (همان: ۱۱۶).

کتابت سه بشکل سی در عدد سیصد هم باقی مانده است (یادآوری دکتر عیدگاه طرهبه‌ای).
سپهر سه در سه: نسبت دادن «اعداد سه در سه» به سپهر، تلویحاً به «نه آسمان و نه سپهر و نه فلک» اشاره دارد. سیف اسفرنگ مکرر و به اشکال گوناگون با این مضمون زبان‌آوری کرده است:

در نسبت معالی ذات تو این زمان / نه آسمان نگینه و ذات تو خاتم است
(دیوان سیف اسفرنگ: ۱۴۳ نیز، همان: ۳۵۰، ۱۵۷، ۳۴۶، ۳۸۳، ۴۲۰، ۴۴۲، ۶۸۳).

گویا در «وفق اعداد فلک» در بیت زیر هم اشارتی به «نه فلک» باشد:
حاکمی بود هر اقلیم سخن را که به طوع / وفق اعداد فلک نقش نگین او بود (همان: ۶۹۵).
اسفرنگی آسمان بلند را در حکم سفال خشکی برای دختران آبستن ضمیر شاعرانه خود دانسته است. محتمل است که اصل مضمون را از بیت پیش گفته خاقانی گرفته باشد:

سفال نو شود گردون چو باشد / عروس خاطر را وقت زادن
میدانیم که سیف اسفرنگ سخت تحت تأثیر خاقانی است و خود را با او قیاس میکند.^۱ دیوان
سیف اسفرنگ پر است از تأثیراتی که او از خاقانی پذیرفته است.^۲

بر خشت افتادن: خاصیت سه در سه و سفال را با «از خشت افتادن، در خشت افتادن و به خشت افتادن» (به معنی زاده شدن) مرتبط دانسته‌اند. بعضی نیز معتقدند زنان باردار «خشت

^۱. برای نمونه:

-هم از اول که نظمی یافت ملک نطق‌پردازی امارت جمله را دادند و سلطانی به خاقانی
(دیوان سیف اسفرنگ: ۵۰۲ نیز: ۹۱، ۳۰۱، ۳۰۸، ۴۶۷، ۵۴۲ و ۵۴۳).

^۲. از جمله این تأثیرات آن است که سیف اسفرنگی هم مثل خاقانی (ماهیار، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۶) به موضوع آبستنی، به انواع و اقسام مضامین، توجه داشته است یکی از این مضامین آبستنی دختران بکر ضمیرش به الهامات قدسی است. ابیاتی از این دست:

-دوشیزه‌ای که زاده روح است بنده را / مریم صفت به یک نظر آبستن تو باد (دیوان سیف اسفرنگ: ۷۲۲).

- چون سخنان بکر من زاده روح مریم است / جای بود که برملا جلوه کنی اگر کنی (همان: ۴۷۳).

-همچو مریم به فیض روحانی / بکر زادست مادر انشا (همان: ۸۳).

که یادآور چارچوب کلان این نوع ابیات خاقانی است:

-مریم بکر معانی را منم روح‌القدس / عالم ذکر معالی را منم فرمانروا (دیوان خاقانی شروانی: ۱۷).

-هردم مرا به عیسی تازه‌ست حامله / زان هر دمی چو مریم عذرا برآورم (همان: ۲۴۴).

-جبریل‌وار باد معانی به فر او / در آستین مریم خاطر دمیده‌ام (همان: ۶۴۷).

را زیر پا گذاشته بر سر پا نشینند و زور بر هر دو پا زند تا طفل به سهولت از رحم برآید» (شمیسا، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۶۶).

در دیوان سیف اسفرنگ سه بیت ارزشمند در این موضوع هست:

۱. گشته همه ز جنیش نه شوی حامله / زاده سه طفل بر سر خشتی به یک‌زمان (دیوان سیف اسفرنگ: ۳۶۲).

۲. نه شکم آسمان حامله بار اوست / بر سر یک خشت از آن ماند چنین بیقرار (همان: ۲۵۶).
۳. گردون روز و شب هست آبستن حوادث / مانده‌است بر سر خشت ز آوردن همالش (همان: ۲۷۶).

در بیت‌های ۲ و ۳ «خشت» اشاره به زمین دارد. آسمان و گردون حامله بار ممدوح و حوادث روزگارند. اما در این دو بیت آسمان و گردون بر سر خشت زمین نشسته‌اند اما بار نمینهند و نمی‌زایند و بنا بر منطق مدح، این بار ننهادن و نازادن لابد تا روزی که آسمان و گردون برجاست ادامه دارد. در صورتی که در شعر خاقانی و سیف اسفرنگ، که در آن سخن از سفال و خاصیت سه در سه است، زادن واقع می‌شود. در منابع دیگر هم خاصیت سه در سه موجب شده که زن آبستن «در حال بار بنهد» (یواقیت‌العلوم: ۲۰۸).

این بیت کمال اسماعیل هم به نظر اشاره به خاصیت «سه در سه» است. به قرینه سفال شکسته و زادن سریع (زیرا شب عید رمضان آبستن است به صبح عیدی که زود متولد می‌شود):

شب است زنگی آبستن سرور و فرح / نشسته بهر ولادت برین شکسته سفال (دیوان کمال‌الدین اسماعیل: ۱۹۲).

در منابعی که سخن از خاصیت «سه در سه» آمده و ما بررسی کرده‌ایم، حرفی از خشت نیست و سخن از سفال است. البته دو جا هم از رگوی پاره و کرباس خام ذکری شده است (یواقیت‌العلوم: ۲۰۸؛ نفائس‌العلوم، ج ۳: ۵۲۸).

پس ماجرای سفال خشک شکسته زیر پای زن آبستن نهادن، نوعی تعویذ و طلسم برای آسان کردن زایمان بوده است اما بر سر خشت نشاندن زن باردار، نوعی تدبیر پزشکی و تمهید بدنی برای تسهیل زایمان بوده است.

فهرست منابع فارسی

- تلفظ در شعر کهن فارسی (بهره‌گیری از شعر در شناخت تلفظهای دیرین)، عیدگاه طرقله‌ای، وحید (۱۳۹۹)، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- جامع‌العلوم ستینی، رازی، فخرالدین (۱۳۸۲)، تصحیح علی آل داوود، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- دیوان سیف اسفرنک، اسفرنکی، سیف‌الدین (۱۹۷۹)، تصحیح زبیده صدیقی، پاکستان، مولتان: قومی ثقافتی مرکز بهبود.
- دیوان، اسفرنکی، سیف‌الدین الاعرج الاحمد اسفرنکی (۱۳۹۶)، تصحیح فرزاد جعفری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دیوان، اصفهانی، خلاق‌المعانی ابوالفضل کمال‌الدین اسماعیل (۱۳۴۸)، به اهتمام حسین بحر‌العلومی، تهران: دهخدا.
- دیوان، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، انوری (۱۳۴۰)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- دیوان، خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۸۲)، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، چاپ ششم، تهران: زوار.
- دیوان، خاقانی، حسان‌العجم افضل‌الدین ابراهیم‌بن علی (۲۵۳۷)، تصحیح و تحشیه و تعلیقات علی عبدالرسولی، تهران: کتابخانه مروی.
- شاعر صبح (پژوهشی در شعر خاقانی شروانی)، سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۴)، چاپ سوم، تهران: سخن.
- شرح مشکلات خاقانی (دفتر چهارم: پنج نوش سلامت)، ماهیار، عباس (۱۳۸۴)، تهران: جام‌گل.
- شرح مشکلات دیوان خاقانی (شرح لغات قصاید خاقانی و منظومه تحفة‌العراقین)، مهدوی‌فر، سعید (۱۳۹۱)، پیام بهارستان، (۱۵) ۴، صص ۱۰۲۳-۱۰۶۹.
- فرهنگ اشارات ادبیات فارسی (اساطیر، سنن، آداب، اعتقادات، علوم)، شمیس، سیروس (۱۳۸۷)، تهران: میترا.
- فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، حسن‌دوست، محمد (۱۳۹۳)، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- فرهنگ‌نامه تحلیلی پشته‌واره فرهنگی دیوان خاقانی، مهدوی‌فر، سعید (۱۳۹۷)، پایان‌نامه دکترای تخصصی در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ایلام.
- کنوز‌المعزمین، ابوعلی سینا (۱۳۳۱)، مقدمه، حواشی و تعلیقات جلال‌الدین همایی، تهران: انجمن آثار ملی.
- گزارش دشواریهای دیوان خاقانی، کزازی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، چاپ ششم، تهران: نشر مرکز.

نفائس الفنون فی عرایس العیون، آملی، شمس الدین محمد بن محمود (۱۳۸۱)، تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران: اسلامیه.

نقد و شرح قصاید خاقانی بر اساس تقریرات بدیع الزمان فروزانفر، استعلامی، محمد (۱۳۸۷)، مقدمه و تحلیل، ویرایش متن، گسترش شرح و فهرستها از محمد استعلامی، تهران: زوار.

یواقیت العلوم و دراری النجوم (۱۳۴۵)، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.